تعدد قرائات در اداء و ارتباط آن با معانی مختلفه

شاگرد: جای یک چیز در اینجا خالی است. در این شاکله ای که ترسیم کردید جایگاه تعدد قرائات در این شاکله چیست؟

استاد: ببینید وقتی بنا شد که ریخت حروف مقطعه، استخراج قرآن از اینها باشد و بین حروف مقطعه با قرآن ارتباطی باشد..؛ در المیزان هم که بحث ایشان در حروف مقطعه بین معانی است. و بیشتر از این است. یعنی ایشان نمیخواهند ما را نفی کنند. در چنین فضایی تواتر قرائت در اینجا خودش را نشان میدهد. وقتی میخواهد تدوین تکوینی شود ما در متن تکوینی عناصر تکوینی چند منظوره داریم. یعنی مثل منشور داریم، کره هم داریم.

اگر بخواهم مثال خیلی محسوسی بزنم؛ وقتی شما در بیرون نگاه میکنید میبینید توپ داریم و هره هم داریم. یعنی در اشیاء خارجی ما چیزهای متخلف و چند وجهی داریم. چند منظوره. نشانههای چند منظوره خودش بحث سنگینی است. در چنین فضایی اگر ما بخواهیم کلامی را یا به نحو نگاشت یا اخبار –چه اخبار از حیث معنا و چه از حیث نگاشت ترسیمی- در اینجا راه برای شما باز است که همانطوری که تکوین هست در اینجا بازتابش بدهید.

شاگرد: با تعدد قرائات؟ ضرورت تعدد قرائات در اینجا خودش را چطور نشان میدهد؟

استاد: یکی از بحثهای خوبی که عدهای گفتهاند این است که در نحوه اداء کلمات، معنایشان تغییری نمیکند. مثلاًاگر «و ال الضالین» را به هفت الف مد بدهید یا به دو الف معنایش فرق نمیکند. آن را به حدر بخوانید یا به تحقیق بخوانید، فرقی نمیکند. با عجله بخوانید یا کند بخوانید، فرقی نمیکند. به این ها نحوه اداء لفظ می گوییم، که در معنا تصرفی نمیکند. اما اگر فضا را برگردانید و بگویید هر لحن صوتی و کیفیت صوتی، طبعاً با یک معنا مرتبط است. طبعاًارتباط دارد. وقتی شما میکشید با یک معنا طبعاًارتباط دارد. وقتی تند میخوانید طبعا با معنایی ارتباط دارد. آن هم نه یک معنا، با چند معنا. وقتی یکی از آنها شروع شد بقیه آنها هم میآید.

ابنسینا گفته بود؛ زدن مال رفته بود و زرنگ بود. مال او را چوب میزد و میگفت بگو الف، اما او نمی گفت. گفتند چرا نمیگویی؟! گفت میدانم وقتی بگویم الف بعد میگویی بگو باء! الف را نمیگویم که باء را هم نگویم. حال هم اول فرضی که ثابت میشود میبینید دنباله اش هم میآید.

اگر شما پذیرفتید که نحوه اداء در لطائف معانی اثر گذار است، این لطائف معانی نفس الامریت دارد یا ندارد؟! در نظام تکوین دخالت دارد یا ندارد؟! اگر به این صورت است ما از درک آن ضعیف هستیم. در علم خدا وقتی میخواهد کتابش را تدوین کند برای تمام مراتبی که برای طیف این حروف و انواع آن هست، میتواند اقراء قرار دهد. مختار در اقراء قرار دهد. ابوالفضل رازی چه گفت؟ گفت قرآن به قدری تاب دارد که اگر تمام ملت اسلامیه و هر فرد مسلمان که با قرآن انس دارد–با شرائط؛ اولین شرطش هم این است که قرائت او به شبکه وصل باشد- هر مسلمانی مثل عاصم و ... که اختیار دارد، قرآن تابش را دارد که جدا جدا اختیار داشته باشند. من عرض میکنم بالاتر از

این است. هنوز مطلب بالاتر از آن است. اما ما فعلاً در فضای قضیه شرطیه هستیم.

بازبینی #2
ایجاد شده 17 آوریل 2024 14:51:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مه 2024 14:03:22 توسط ... .